همهٔ نیروها و عناصر مخالف استبداد باید با وحدت عمل و مبارزهٔ خود ، رژیم دیکتاتوری محمد رضا شاه را سرنگون سازند

ـرهٔ ششم — اول مهر ۱۳۵۶ — شمارهٔ صد و هشتاد و نهم

مـــردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

چین به سیاست تخریبی و ضد صلح خود ادامه میدهد

ـ تحرك و نیروی فزاینده سوسیالیسم و گسترش ـرض صلح آن در اتحاد با جنبش کارگری جهانی ـهای رهائی بخش ملی و همه نیروهـا و محافل ـصلح و علاقمندان بـه سرنوشت جامعهٔ انسانی ـو تنگنا های بحرانی که در مجموعه اقتصاد ـداری هر روز بشکـلی متجلی میگردد از سوی ـ ارتجاع امپریالیستی را دچار سراسیمگی ساخته ـامپریالیسم جهانی بـرای حفظ مواضع موجود و ـتلاش عبث برای بازگرداندن مواضع از دست ـندت اقدامات تحریك آمیز خود علیه کشورهای ـستی ، جنبش کمونیستی و کارگری جهانی و ـای رهائی بخش ملی در قاره‌های مختلف میافزاید، ـت صلح جامعه کشورهای سوسیالیستی و عمده ـآن اتحاد شوروی، و در راه جلوگیری از مسابقه ـی و روند تشنج زدائی وتثبیت موازین همزیستی ـ آمیز در روابط میان کشور های دارای نظامهای ـ متفاوت به خرابکاری می پردازد . در این کارزار ـرهبری مـائوئیستی چین بهم پیوندی خود باجبهه ـصلح و سوسیالیسم ادامه میدهد . سیاست رهبری ـشکارا علیـه کشور هـای سوسیالیستی ، جنبش ـکمونیستی و جنبش هـای رهـائی بخش ملی در ـی آسیا و افریقا و امریکای لاتین معطوف‌است . ـست با مواضع سیاهترین محافل ارتجاع امپریا ـ نژاد پرستی ، ضـد کمونیستی و ضد شوروی ـطابقت دارد و به مهمترین نیروی سیاسی ذخیره ـسم و ارتجاع جهانی تبدیل شده است .

ـصحت ارزیابی ماهیت مائوئیسم ومواضع ایدئولوژیك ـی آن کـه از جانب احزاب بـرادر کمونیستی ـمد ، همچنان به اعتبار خود باقیست . مائوئیسم ـونمندی های علم مارکسیسم-لنینیسم را تحریف ـ جزیانی است بنفع ارتجاع و امپریالیسم جهانی ـند کشور هـای سوسیالیستی ، جنبش جهانی ـستی و جنبش رهـائی بخش ملی .

ـ در اکتبر سال ۱۹۷۶ پس از در گـذشت ـدون رهبری جدید محور اصلی سیاست خارجی ـا مبـارزه علیه سلطه جوئـی (هژمونیسم) « ابر ـا » که در قاموس مائوئیستی یعنی اتحاد شوروی ـیونیسم معاصر » که طبق همان قاموس جنبش ـکمونیستی است اعلام کرد .

ـیازد همین کنگره حزب کمونیست چین که ـ هم تا هیجد هم اوت در پکن بـر گزار بود ، ـ رهبری کنونی چین را نـه تنها نسبت به ـن و نقش مائوتسه دون بلکه همچنین به اندیشه ـشوری مائوئیستی اعلام وتأیید کـرد . در اسناد ـه در زمینه خط مشی سیاست خارجی چین مبارزه ـحاد شوروی بر مبارزه علیه ایالات متحده امریکا ـاده شده است . در ایـن اسناد ایـالات متحده ـه تنها بمثابه «خطر کمتر» بلکه‌حتی‌مانند «متحد ـارزیابی شده است . درصورتیکه‌دراسناد کنگره ـ۱۹۷۱) در این فرمول بندی مبارزه علیه ایالات ـمریکا بر مبارزه علیه شوروی تقدم دارد . سراسر ـکنگره یـازد هم باروح ضـد کمونیستی و ضـد ـجریان داشت . هـوا گوفن در گزارش خود ـکره» سیاست خارجی و نظام اجتماعی شوروی را ـهامات‌نا هنجار قـرار داد و تاریخ مناسبات اتحاد ـو چین را تحریف شده و مجعول بیان داشت . ـ گزارش خـود همـانند رهبـری دوران زندگی ـدون تـأکید نمـود کـه جنگ جهانی جدید ـ ناگزیر و باید برای آن آماده شد . و بدین ـدامه سیاست نظامی گری در چین را (که اکنون ـاز چهل در صـد کل بودجه کشور در آن

راه صرف‌میشود) تأکید کرد . موافق‌آمار سازمان ملل متحد هزینه های نظامی جمهوری توده ای چین در سال ۱۹۷۶ بـه ۲۱ میلیارد دلار رسید . در ایـن کنگـره تدارك برای جنگ بمثابه یکی از مهمترین رهنمودهای کنگره وخط مشی‌عمده سیاست چین تأیید گردید .

رهبری کنونی چین ازسیاست شوینیستی عظمت طلبانـه مائوئیستی و سیاست ضـد صلـح و سوسیالیسم عقب نشینی نکرده ، بلکه جوانب مختلف این سیاست را تشدید میکند و تلاش دارد در زیر پرده شعار هـای جعلی وپنداری لزوم مبارزه‌علیه « سلطه‌جوئی (هژمونیسم) شوروی » خط مشی توطئه گرانه و زدوبند خود را بـا ارتجاعیترین محافل امپریالیستی و جنگ طلب توجیه کند .

تشریـك مساعی و همکاری رهبری چین بـا نیرو های امپریالیستی برای صلح و همه خلقهای جهان خطر بزرگی در بر دارد و درست بهمین دلیل ،نیروهای ارتجاعی بـا تب و تاب میکوشند از این خط‌مشی چین حد اکثـر استفاده را بنمایند ، سیاست پکن مواضع این نیروها رادر خرابکاری علیه تشنج زدائی و امرصلح تقویت میکند . ایـن نیروهـا با رهبری چین ائتلاف میکنند تا در اقدامات علیه اتحـاد شوروی ، جـامعهٔ کشور های سوسیالیستی و بطور کـلی مبارزهٔ طبقاتی بمقیاس جهانی به کامیابیهائی برسند . پکن بنوبهٔ خود این نیروها را در تشدید مسابقهٔ تسلیحاتی ، تخریب در روند تشنج زدائی تحریك و تشویق میکند . میان این نیرو ها و رهبری پکـن وضعی پدید آمـده که هر یك از طـرفین طرف دیگـری را به بیرون کشیدن شاه بلوط از آتش تهییج میکند . رهبـری چین با پیش کشیدن نظریـات مجعول از قبیل «سیاست توسعه‌طلبانه‌شوروی» وغیره، مسئولیت‌تخریب در سیاست تشنج زدائی و عناد و مقاومت در زمینه‌قطع مسابقه تسلیحاتی و خلـع سلاح را از گردن محافـل امپریالیستی و رژیمهای ضد خلقی وابسته به امپریالیسم ساقط و بدین ترتیب عملا از اقدامات ارتجاعیترین محافل امپریالیستی امریـکا در زمینه ساختن سیستم هـای جدید و خطرناکتر تسلیحات پشتیبانی میکند .

در خود چین کـوشش میشود کـه بر ذخـایر تسلیحات‌هسته‌ای و موشکی‌افزوده شود . رهبری کنونی چین در دکترین نظامی چین تغییراتی داده که‌ماهیت آن‌تقویت جنبه تعرضی تسلیحات واستراتژی‌نظامی‌است. در آغاز سال جاری دریکن با شرکت فرماندهان‌ارتش و رهبران مـؤسسات صنایـع نظامـی کنفـرانسهائی تشکیل گردید ، در این کنفرانسها وظایف مربوط بـه آماد گی نیروهای مسلح چین برای عملیات تعرضی و تسریع آهنگ تهیه تسلیحات تعرضی از آنجمله سلاح اتمی وموشکی مطرح گردید. نهم ماه اوت سال جاری هوا گـوفن اعلام کرد : « بدون تردید ما باید بـرای جنـگ آمـاده شویم . فرصت را نباید از دست داد . زمان میگذرد ».

رهبری پکن که دیر زمانی است موضع‌طبقاتی را در ارزیابی نیروها در عرصه جهانی ترك گفته ، در سالهای اخیر سیاست همکاری با همه نیروهای ارتجاعی و متجاوز علیه کشورهای سوسیالیستی را علنا بمورد اجرا میگذارد . لیدرهای پکن میکوشند برپایه خصومت‌با سوسیالیسم موجودروابط خود را با ایالات متحده امریکاو کشورهای‌اروپای‌غربی وژاپن توسعه دهند. محافل‌ارتجاعی و جنگ طلب این کشورها را به عقیم گذاردن‌سیاست تشنج زدائی و تشدید عناد و ستیزه جوئی نسبت به کشورهای سوسیالیستی ترغیب و تحریك میکنند .

دنباله در صفحه ۲

مبـارزه را گسترده تـر سـازید!

(نگاهی به مبارزهٔ پیروزمند ساکنین خارج از محدوده تهران)

دولت سر انجام پس از کشتن و زخمی‌کردن عده‌ای از ساکنین خارج از محدوده تهران، ویران کردن تعدادی خانه ساخته شده ویا نیمه ساز ، به آتش کشیدن و غارت اثاثیه آنان ، در نتیجه مقاومت جمعی و جدی ساکنین این نواحی و فشار افکار عمومی ، ناچار به‌عقب نشینی شد و ساختمان در خارج از محدوده فعلی تهران را ، با شرایط معینی ، آزاد نمود .

این «خارج از محدوده »ی‌ها ، کـه در واقـع خارج از قانون قرار داشتند ، چه کسانی هستند و چرا در حالیکه در داخل‌محدوده تهران‌ده‌ها میلیون مترمربع زمین بایر وجود دارد ، در خـارج از شهر ، کیلومترها دور از مراکز آموزش و بهداشت ، به ساختن خانه‌های غیر مجهز میپردازند ، چرا در حالیکه دولت شب وروز در باره ضرورت ایجاد مسکن‌وصاحب خانه کردن مردم در بوق و کرنا میدمد ، این افراد شبانه و پنهانی ، زیر نور چراغ زنبوری و دوراز دید چماق‌بدست‌های‌شهرداری، درصدداحداث سرپناهی‌بنام‌خانه‌مسکونی‌برای‌خودبودند؟

اینها ، اکثراً ، زحمتکشان بیکار و نیمه بیکاری هستند ، که برای بدست آوردن لقمه‌ای نان همچون سیلی سرگردان از روستاهـا بـه شهرها ، از شهرهای کوچکتر بـه شهرهای بزرگتر ، بخصوص به تهران، سرازیر شده‌اند . عده کثیری از این مهاجران در نتیجه گرانی زمین و مسکن در داخل محدوده تهران (و نه فقط تهران) به امید ساختن پناهگاهی ، پس از سالها پس انداز قطعه زمین کـوچکـی در خارج از محدوده خریداری کرده و آلونك‌ها و کپرها و کومه‌هائی از چوب و حصیر و جعبه و حلبی در آنها ایجاد میکنند و بنام حاشیه نشین، بدون آب و برق ، بدون مدرسه و بهداری، بدون وسائل ارتباط و نقلیه دربدترین شرایط ممکن بسرمیبرند . عده‌ای ازاین زحمتکشان نیز پس‌از سالها صرفه جوئی از در آمد ناچیز خود به امید«بهبود» شرایط مسکن ، در صدد ایجاد خانه‌ای از خشت‌وآجـر برمیایند . و اینجاست که برای جلوگیری از گسترش بی‌نقشه تهران ، برای جلوگیری ازساختمان‌بدون‌پروانه، دست آهنین قانون از آستین شهرداری بیرون‌میخزد و همچو پتکی بر سر این عده و خانواده آنهافرود میاید.

دولت ، که پس از سالها « مبارزه » بی‌ثمر بـا بورس بازی زمین و بورس بازی ساختمان ، پس از دادن هزاران وعده‌توخالی درباره احداث خانه‌های «ارزانقیمت» کارگری و کارمندی ، سازمانـی و غیرسازمانی ، پس از اعطای سخاوتمندانه انواع تسهیلات مالی و فنی، قانونی و غیرقانونی به سرمایه گذاران داخلـی و خارجـی عجز مطلق خود را در حل معضل مسکـن به ثبوت رساند ، برای مبارزه با این محرومان خارج از محدوده چنان شدت عملی از خود نشان داد ، کـه کار را به قتل و غارت و آتش کشاند .

دنباله در صفحه ۲

موج جدید نظامیگری

نطق اخیر شاه در «دانشگاه پدافند ملی » در بارهٔ اینکه ایران خود را باید برای‌یك «جنگ میهنی» آماده کنـد ، مانند نطق چند سال پیش او در خارك (در آغاز شروع دورهٔ جدید سیاست نظامیگری رژیم) ، تهیه « زمینهٔ روحی » است برای موج جدیدی در این سیاست ضد ملی بویژه بمنظور خریدهای تازه اسلحه هرچـه بیشتر در مقابل‌تحویل درآمـد نفت ایـران از کشورهای امپریالیستی و علـی الخصوص امریـکا .

روزنـامـه « نیویورك تایمـز » در سرمقاله دهم سپتامبر ۱۹۷۷ خود عیناً چنین نوشت : «در سال مالی ۱۹۷۷ (که در ماه جاری خاتمه می یابد) ایالات‌متحده امریکانه میلیارد و نهصدمیلیون‌دلاراسلحه به سراسرجهان فروخته کـه از آن تنهاپنج میلیارد و پانصد میلیون دلار بـایران فروخته شده است ». ایـن روزنامه می‌افزاید: «اگـر دستگاه « آواکس » (یعنی سیستم کنترل وردیابی هوابرد) نیز بایران فروخته شود ، این مبلغ به شش میلیارد و هفتصد میلیون دلار میرسد . »

این مطلبی است که در مهمترین جریده امریکا نوشته شده و با وجود آنکه ما با شیوه‌های بی پروای کاخ سفید و کاخ صاحبقرانیه در اجرای این نوع بند و بستهای ضد بشری آشنا هستیم ، باز چشم ازتعجب باز میماند : قریب هفت میلیارد از ده میلیارد دلاراسلحهٔ صادراتی امریکا بـه سراسر جهان را ، تنها ایران میخرد !

مسئلـه فـروش هفت دستگاه رادارهـای پرنده « آواکس » بایران با مخالفت کنگره امریکاروبروست ولی بنابه خبر منتشره در اطلاعات (۱۷شهریور۱۳۵۶): «جـودی پائول سخنگـوی کاخ سفید دریك کنفرانس مطبوعاتی گفت باین دلیل جیمی کارتر از این معامله تویاً پشتیبانی میکند که ایران به ایـن سیستم نیاز دارد . جـودی پائـول همچنین گفت کـه آدمیرال ترنر رئیس سیاکه زمانی مخالف این معامله بود ،اینك موضع خود را تغییر داده و با این معامله موافق است».

با آنکه سخنگـوی کاخ سفید «نیاز ایـران » را مستمسك قرار میدهد ، در همان مصاحبه مطبوعاتی کمی دیرتر میگوید : « یکی از دلایـل کاخ سفید (بـرای فروش آواکس) مـوقعیت حساس استراتژی ایران از نظر جغرافیائی است . » روزنامه اطلاعات در شماره ۱۹ شهریور خود مطلب را روشنتر میسازد. مطابق خبری کـه آسوشیتد پرس پخش کرده ، کارتر طی بخشنامه ای «دفاع» از ایران و دوستان و متحد یـن امریکا را بعهده گرفته وبرای « کشور متحد خودایران اولویت استراتژیك» قائل شده است. طبق این بخشنامه درصورت «تجاوز احتمالی بایران (!) امریکا درکنار ایران»

دنباله در صفحه ۲

با استفاده از « دورهٔ ارانی » مارکسیسم ـ لنینیسم را بیاموزید !

با توجه به علاقه و شوری که مبارزان جوان ایرانی برای آشنائی بـا مارکسیسم ـ لنینیسم نشان میدهند و اهمیتی که‌آموزش منظم این علم‌برای‌پیشرفت جنبش انقلابی و ترقی اجتماعی کشور ما دارد ، هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران تصمیم گرفت دوره‌ای برای‌آموزش غیابی مارکسیسم ـ لنینیسم تأسیس کند . این‌دوره که «دوره مقدماتی‌مارکسیسم ـ لنینیسم ـ بنام ارانـی » نـامیـده شده ،کار خـود را بـاستقبال شصتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکـتبر ، از اول نوامبر ۱۹۷۷ آغاز میکند . این دوره در آغاز کار خود دوبار دانشجو می‌پذیرد: از اول نوامبر ۱۹۷۷ و از اول ژانویه ۱۹۷۸ .

دوره ارانی برای دو سال در نظر گرفته شده ، که سال اول آن با آموزش سه واحد درسی : فلسفه ، اقتصاد سیاسی‌وتاریخ جنبش جهانی کارگری‌و کمونیستی و تاریخ حزب کمـونیست اتحاد شوروی آغـاز میشود . در سال دوم علاوه برایتها ، تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران نیز تدریس خواهد شد .

شیوه تدریس عبارت است ازارسال‌جزوه‌های درسی، قطعات برگزیده از آثار مارکس ، انگلس و لنین مربوط بهر درس و رهنمون آموزش ، که درآن معلمان، توجه آموزندگان را به طرز فراگرفتن‌هردرس ونکات اساسی آن جلب میکنند . بعلاوه معلمان آماده‌اند بـه پرسشهای آموزندگان پاسخ‌دهند و آنان را در جریان تحصیل بطور منظم راهنمائی کنند .

استفاده‌از«دوره ارانی» به معنی‌داشتن‌رابطه‌سازمانی با حزب توده ایران نیست ولذا برای همه علاقمندان، ولواینکـه رابطه‌سازمـانی بـاحـزب تـوده ایـران نداشته باشند ، آزاداست . رابطه « دوره ارانی » با آموزندگان تنها یك رابطه علمی خواهد بود .

از علاقمندان تقاضا میکنیم خود رابـا یك‌شماره پنج رقمی‌نامگذاری کنند و آدرسی‌در اختیار مابگذارند تا از آن طریق این رابطه علمی بر قرار شود .

آدرس ما چنین است :

Dr. John Takman
P. B. 49 034
10028 Stockholm 49
Sweden

باین آدرس با ما مکاتبه کنید . دوره ارانی

نظر کردهٔ دیگر!

اشرف پهلوی همراه ندیمه و یك بازرگان و یك راننده وقتی ساعت چهار بعد ازنصف شب از کازینوئی با اتوموبیل رولزرویس به ویلای خصوصی متعلق به شاه در جنوب فرانسه باز میگشت مورد شلیك سه نفر سر نشینان یك اتومبیل پژو قرار گرفت ولی شخص اشرف صدمه‌ای ندید . در اظهارات اشرف که رادیوی تهران پخش کرد ، خواهر توأمان شاه نجات خود را نتیجه مشیت الهی و معجزه تازه‌ای بسود خانواده پهلوی خواند و گفت بمحض باز گشت بزیارت آستانه قدس و سپس کعبه معظمه نائل‌خواهدشد . زنی که «خواندنیها» ویرا « الـهه فساد » نام نهاده و کمترین کارش آنست که میلیونها دلار ثروت کشور مارادر کازینوهای اروپا حیف و میل میکند و زندگی اورا با هیچ رنگ و روغنی نمیتوان به نمونه‌ای از تقدس و پارسائی بدل ساخت ، خود را منظور نظر خدا وپیغمبر و ائمه‌اش معرفی مینماید ! واقعاً هم رفتن از کازینو قمار در سوئیس به کعبه فقط از عهده سالوسان گستاخی مانند اشرف برمی‌آید . روزنامهٔ « ثومانیته » بمناسبت این واقعه نوشت که میگویند حادثه سوءقصد علیه اشرف مربوط به کسانی است که در مورد قاچاق مواد مخدره میخواستند با اشرف «تصفیه حساب کنند» . همین روزنامه مینویسد که پلیس فرانسه با بهانه قرار دادن حادثه‌قصد دارد بار دیگر موجبات مزاحمت دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه را فراهم آورد .

چین به سیاست تخریبی و . . .

پکن در مبارزه بر ضد گرایشهای مثبت و پیشرفت روند تشنج زدائی در اروپا با عناصرنئوفاشیست تلافی‌جو و افراطی ترین محافل ارتجاعی اروپا روابط و همکاری نزدیك برقرار میکند . استقبال گرم وپذیرائی شاهانه لیدرهای پکن از فیل بینگو معاون صدر حزب دمکرات مسیحی آلمان غربی و ژچر لیدر محافظه کاران انگلستان که در بهار سال جاری از پکن‌دیدار بعمل آوردند نمونه‌هائی از این همکاری‌است.

امروز چین درمحاسبات امپریالیستها برای‌تضعیف مواضع سوسیالیسم بمقیاس جهانی و برهم زدن وحدت میان کشورهای سوسیالیستی اهمیت روز افزونی کسب میکند. گرایش خطرناك درسیاست پکن برای نزدیکی هرچه بیشتر و گسترش دایره منافع بین‌المللی «مشترك» یا « موازی » پکن و واشنگتن و همکاری سیاسی و نظامی لیدرهای جمهوری توده‌ای چین با ارتجاعیترین محافل امپریالیسم امریکا ، کشورهای اروپای غربی و ژاپن تشدید میشود . لیدرهای چین در ملاقاتهای‌خود با نمایندگان امریکا ، بارها متذکر شده‌اند که بعقیده آنها انطباق مواضع ایالات متحده امریکا و جمهوری توده‌ای چین در اکثر مسائل بین المللی بسیار مهمتر از مسائل مربوط به مناسبات دو جانبه آنهاست . خط مشی پکن در زمینه عقیم گذاردن سیاست تشنج زدائی در اروپا و مخالفتهای آن با اقدامات در باره قطع مسابقه تسلیحاتی، با خط مشی ایالات متحده امریکا در زمینه تقویت بنیه نظامی ناتو هم آهنگی کامل دارد . انطباق کامل سیاست پکن و واشنگتن در بسیاری از مسائل آسیا وافریقا ، منطقه اقیانوس هند واقیانوس آرام کاملا آشکار است . در این مناطق علاقمندی مشترك پکن و واشنگتن به حفظ و گسترش حضور نظامی امریکا ، در تضعیف مواضع کشورهای نو استقلال و رژیمهای مترقی ، در ایجاد تفرقه ، تضعیف و سرکوب جنبشهای رهائی بخش ملی کاملا مشهود است. از نمونه های برجسته آن کمك و پشتیبانی چین از نیروهای ضد انقلاب ، نیرو های نژاد پرست افریقای جنوبی و عمال دوائر جاسوسی امریکا ، در حوادث آنگولا و اقدامات تحریك آمیز آن در اختلافات میان حبشه و سومالی را میتوان یادآور شد . هم جمهوری توده ای چین و هم ایالات متحده امریکا میکوشند جنبش کشور های غیر متعهد را از سمت ضد امپریالیستی آن منحرف سازند و کشور هـای شرکت کننده در این جنبش را علیه متفقین طبیعیشان یعنی کشور های سوسیالیستی برانگیزند . همکاری پکن و واشنگتن در زمینه بسیاری از مسائل بین المللی در سازمان ملل متحد با وضوح هر چه بیشتری متجلی میگردد :

در شرایطی که مواضع سوسیالیسم جهانی در نتیجه پیروزی تاریخی خلقهای ویتنام و لائوس در آسیا استحکام یافته ، پکن نسبت به اتحاد نظامی امریکا و ژاپن و کوششهای سرمایه ژاپن برای توسعه و تحکیم مواضع خود در جنوب خاوری آسیا روش تأیید آمیزی پیش گرفته و روابط خود را با رژیمهای ارتجاعی این منطقه بر پایه مواضع ضد کمونیستی گسترش میدهد . رهبری چین مصرانه میکوشد محافل حاکمه ژاپن را به اتحاد ضد شوروی جلب کند و از ژاپن طلب میکند که در پیمان صلح چین و ژاپن ماده ای در باره «مبارزه مشترك علیه هژمونی» که منظور از آن علیه اتحاد شوروی است گنجانده شود . اخیراً میان هیئت های نمایندگی نظامی ژاپن و اتحاد با میلیتاریسم ژاپن بر زمینه ضد شوروی و ضد سوسیالیستی از تقویت بنیه نظامی ژاپن پشتیبانی میکند .

رهبری کنونی چین به سیاست خصمانه و خط مشی تفرقه افکنانه در جنبش جهانی کمونیستی‌همچنان ادامه‌میدهد . دراسناد یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین تأکید شده است که رهبری پکن «مبارزه علیه رویزیونیسم معاصر (منظور جنبش جهانی کمونیستی) را تا به آخر ادامه خواهد داد .» پکن از گروههای مائوئیستی که خود در کشور های مختلف جهان بوجود آورده بمثابه ابزار اجرای چنین سیاستی استفاده میکند.

رهبری چین گروههای مائوئیستی در کشورهای خارجه را در سمت عقیم گذاردن سیاست تشنج زدائی ومبارزه علیه کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست بسیج میکند . گروههای مائوئیستی در اقدامات هم آهنگ خود با محافل تبلیغاتی بورژوازی در فعالیت سیاسی و مبارزات طبقاتی احزاب کمونیست خرابکاری میکنند و به اقدامات تحریك آمیز بنفع ارتجاع و در جهت ایجاد تفرقه در صفوف مبارزان راه آزادی و ترقی اجتماعی دست میزنند . این گروهها به بهترین افزار ضد کمونیسم در مقیاسهای ملی و بین المللی تبدیل شده اند . این نقش را در چهره مائوئیستهای ایرانی بنحوی روشن میتوان دید . مائوئیستهای ایرانی به پیروی از سیاست پکن در همکاری با محافل ارتجاعی و امپریالیسم جهانی از فعالیتهای خرابکارانه در نهضت مترقی ایران و مبارزه ضد رژیم دیکتاتوری‌محمد رضا شاه ، کار را به دفاع آشکار از سیاست نظامیگری و معاملات دهها میلیارد دلاری اسلحه رژیم کشانده اند و آنرا چنین توجیه میکنند : «عامل اصلی که رژیم را اینچنین سراسیمه ساخته و او را به اتخاذ یك چنین سیاست تسلیحاتی واداشته ، تحریکات شوروی در منطقه خلیج فارس است که از جانب این ابر قدرت حیات یکایك کشورهای ساحل خلیج فارس را تهدید میکند.» سپس در تشریح و استدلال این «نظریه» به دفاع از مواضع امپریالیسم امریکا و سیاست تسلیحاتی آن می پردازند: « در نتیجه تغییرات و تحولات اوضاع ، امپریالیسم امریکا بمثابه سرکردهٔ امپریالیسم غرب‌امروزه موقعیت خود را از دست داده و از لحاظ استراتژیکی در قبال رقیب خود یعنی ابر قدرت شوروی در حالت دفاعی قرار گرفته است . امپریالیسم امریکا بویژه پس از شکست در هندوچین دیگر در موقعیتی نیست که همانند گذشته رأساً و بطور مستقیم از مناطق نفوذ خود نگاهداری کند . . . در چنین شرایطی است که کشورهائی که تاکنون حفظ امنیت خود را در گرو امریکا قرار داده بودند مجبور گشته‌اند در قبال‌واقعیات موجود جهان و موقعیت کنونی امریکا ظرفیت دفاعی خود را برای حفظ موجودیت خود بالا برند . این‌وضع در مورد شاه و رژیم ایران نیز صادق است . . .» این استدلال مائوئیستها توجیهی‌است برای دکترین‌نیکسون در بارهٔ ایجاد ژاندارمهای منطقه ای بوسیله رژیمهای دیکتاتوری و ضد خلقی با هزینه های تسلیحاتی به حساب درآمد ملی خلقهای منطقه با مأموریت پاسداری مواضع سیاسی و اقتصادی و نظامی امریکا و سرکوب جنبش های رهائی بخش و در عین حال تبرئه رژیمهای ضد خلقی و دست نشانده مانند رژیم محمد رضا شاه که این نقش را بعهده میگیرند .

و اما در مورد «تغییرات و تحولات» که مائوئیستهای ایرانی به آن استناد میکنند و موجب‌تضعیف امپریالیسم امریکا بویژه پس ازشکست آن در هندوچین گردیده ، تغییر در تناسب نیرو ها در صحنه جهانی است که به برکت وجود جامعه کشور های سوسیالیستی‌و درمرحله‌اول اتحاد شوروی و کامیابیهای‌جنبشهای رهائی بخش ملی در آسیا و افریقا و امریکای لاتین ، حاصل شده و یك پدیدهٔ انقلابی تاریخی است .

پیروزی تاریخی خلقهای ویتنام ولائوس و کامبوج بر امپریالیسم امریکا نیز با پشتیبانی و کمکهای همه جانبه و قاطع کشور های سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی از مبارزات قهرمانانه خلقهای این کشورها بدست آمده که موجب تضعیف امپریالیسم امریکا گردیده است . اما مائوئیستهای ایرانی با تحریف این واقعیات و اطلاق «سوسیال امپریالیسم» به اتحادشوروی به نتیجه گیری دلخواه خود میرسند تا بتوانند بر آن اساس در مقام دفاع علنی از رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی محمد رضا شاه و حامیان امپریالیستی او برآیند .

مائوئیست های ایرانی بیهوده میکوشند چهره واقعی خود را در پس پرده این شعبده بازیهای لفظی پنهان کنند ، زیرا حتی در آن دورانی که مائوئیسم با نقاب انقلابیگری از خاور « طلوع » کرد ، آفتاب سرخش، نوری نداشت و چهره واقعی آن هویدا بود . حالا که دیگر در راست ترین جناح ارتجاع در باختر جای واقعی خود را یافته ، بطریق اولی نمیتواند چهره واقعی خود را مستور کند .

تفسیری که در روزنامه «مرکوریو» چاپ‌شیلی در باره نتایج کار یازدهمین کنگره حزب کمونیست چین انتشار یافته نمونه نمایان دیگری است که سیاست چین در جهان معاصر به چه نیروهائی خدمت میکند . روزنامه «مرکوریو» وابسته به مراکز قدرت در شیلی و یکی از بلندگویان خونتای فاشیستی شیلی است . در این تفسیر خط مشی سیاسی لیدر های پکن که در کنگره تأیید شده مورد ارزیابی تحسین آمیز قرار گرفته است . در تفسیر از محافل حاکمه چین که قصد دارند چین را با استفاده از نوع ویژهٔ مارکسیسم به « دولت ناسیونالیستی مقتدری » تبدیل کنند ستایش شده است . تمایل رهبری چین در زمینه تشدید تدارکات جنگی بیش از هر چیز بمذاق‌خونتای فاشیستی شیلی خوش آمده است . سفیر جدید خونتای شیلی در پکن نظر روزنامه مرکوریو را تکمیل کرده اظهار میکند: «روابط با جمهوری توده ای چین بـ شیلی بسیار امیدوار کننده است» زیرا چین «دوست تفاهم خود را نسبت به واقعیت کشور ما بنحو درخ نشان داد».

اسناد یازدهمین کنگره حزب کمونیست . واقدامات رهبری کنونی چین به پرسش در باره موقع و هدفهای سیاست خارجی چین پس از مائو پاسخ‌صر داده و جای تردید باقی نمیگذارد که خط م سیاسی چین همچنان از تمایلات هژمونیستی ، سوسیالیستی و ضد انقلابی مایه میگیرد و بر صلح و تشنج زدائی بین المللی معطوف است. طبی است که چنین سیاستی از جانب جامعه کشور ه سوسیالیستی ، جنبش جهانی کمونیستی و همه ن های ترقی خواه و هوادار صلح محکوم است .

موج جدید نظامیگری

قرار خواهد گرفت . اطلاعات تصریح میکند که این اقدام‌را « شورای‌امنیت‌ملی امریکا » (که‌برژینسکی بر رئاس آن قرار دارد) و استراتژیست‌های امریکا (یعنی پنتاگون) از کارتر خواسته‌اند . بخشنامه سری امضاء شده به وزارت دفاع امریکا ارسال گردیده‌است. امریکا در این ناحیه نیروهائی خواهد داشت که آماده مقابله با هر گونه تجاوز باشند.» هم اکنون تعداد این نیرو در ایران بـه بیش از سی هـزار افسر و درجه‌دار امریکائی رسیده است .

پس معلوم میشود هدفهای غارتگرانه امپریالیسم و ما جراجوئی جنگ‌طلبانه «شورای امنیت ملی‌امریکا » واستراتژیست‌های این کشور و رئیس سیا دربلسالاوترنر، در منشاء این واقعیت‌شوم و وحشتناك قراردارد که ایران بیش از هفتاد در صداسلحه صادراتی امریکا را میخرد و نه « نیاز ایران » به«جنگ میهنی » و یا خطر « تجاوز احتمالی » .

درست‌بهمین جهت روزنامه «ایزوستیا» در پانزدهم شهریور سال جاری در مقابل نقشه های نوین امپریالیستها در خاور میانه موضع گیری میکند ومینویسد که امریکا در صدد «بسط حضور نظامی خود در منطقه خلیج فارس است» . ایزوستیا مینویسد : «در سالهای اخیر رؤسای پنتاگون به منطقه خلیج فارس دائماً توجه بیشتری معطوف میدارند و در نتیجه تحویل وسائل جنگی بسیار متنوع به میزان عظیمی بـه کشور هـای این منطقه ، اکنون خلیج فارس به محل تمرکز عجیب اسلحهٔ مدرن مبدل شده است .» ایزوستیا مینویسد کـه پنتاگون نقشهٔ وسیعی برای ایجاد شبکه ای از پایگاههای نظامی در این ناحیه دارد تا منافع انحصارهـای نفتی امریکا را در این بخش از جهان تأمین کنند .

وقتی شاه از «جنگ میهنی» سخن میگویـد ، وقتی در مصاحبه با امیر طاهری سر دبیر کیهان از آن دم میزند که اگر در ایران اتفاقی بیافتد دنیـا نـابود خواهد شد ، اشارات این حامی جنگر سوخته منافع امپریالیستی ، بهمین هدفهاست که پنتاگون و سیا موافق مصالح شرکتهای نفتی امریکا معین میکنند ، و کاخ سفید زیر آنرا امضاء میگذارد و سرانجام بصورت نطقهای پرحرارت «شاهنشاه ایران زمین» در می آید !

ا . س .

مبارزه را گسترده تر

ولی اقدامات خشن و غیرانسانی رژیم زحمتکشان« خارج از محدوده » را ازمبارزه باز بلکه بر حدت این‌مبارزه و شدت مقاومت افزود .

شکست مفتضحانه برنامه‌های اقتصادی رژیم ، که‌گرانی وکمیابی و نایابی و بخصوص بیسابقه هزینه مسکن از عوارض ناگزیر آن بود آن در وهله اول به چشم زحمتکشان میر زحمتکشان را در مبارزه خود بازهم پیگیرتر و نمود . بخصوص تلاطمی که در نتیجه جابجائی مهره‌ها در دستگاه دولتی‌بمنظور ترمیم و تعدیل منفی اقتصادی و اجتماعی و سیاسی‌ناشی از شک بوجود آمد (یا دست کم انتظار بوجود آمدن میرفت) ، ساکنین خارج‌از محدوده را در اقدام چه در زمینه خانه سازی بدون پروانه وچه درکار جمعی در مقابل مأموران ، تشجیع نمود . تمام عواملی هستند که همراه با احساسات برانگیختا رژیم را به یك چنین عقب نشینی وادار ساختند. اطلاعات با اشاره به فشار دولت بـه ساکنین محدوده و عکس‌العمل آنان و نیز عقب نشینی چنین نوشت : « نتیجه چنین فشاری ، خواه و انفجار خواهد بود ، چنانکه دیدیم . اما اکنو دولت با سیاستی عاقلانه و مدبرانه جلوی ا گرفته است . . . » .

تجربه مبارزه ساکنین خارج از محدوده نشان میدهد که‌مبارزه متحد و اقدامات‌جمعی، واو سطح ابتدائی از تشکل ، بـا بهـره برادری سد بموقع از شرایط مساعد ، چگونه میتواند نتایج‌ث در مبارزه با رژیم خونخوار محمد رضا شاهی ببار

ولی زحمتکشان نباید به نتایج بدست اکتفا کنند . آنان باید دامنه خواستها و م خود را گسترده‌تر سازند . زحمتکشان خارج از م های شهری ، در شرایط مشخص کنونی باید مبا را برای تحقق خواستهای‌زیرین ادامه دهند :

— وادار ساختن دولت به اعطای کمك‌های فنی بمنظور احداث خانه‌هـای مجهز و بهدا آن چیزی که ساکنین این نواحی خود قا انجام آن نیستند ؛

— وادار ساختن دولت به تامین آب و مراکز بهداشت و آموزش ، وسایل ارتباط و و سایر خدمات شهری ؛

— مبارزه در راه پایان دادن به آلونك نش زاغه نشینی ، کپرنشینی و واداشتن دولت به خانه‌های مناسب برای این قبیل « حاشیه‌نش ها ؛

— واداشتن دولت به پایان دادن به بورس باز خارج از محدوده و کوتاه کردن دست «صا بزرگ اراضی خارج از محدوده ؛

— تعمیم اقداماتی که در مورد ساکنین خار محدوده تهران انجام گرفته و میگیرد به سا خارج از محدوده سایر شهرها ؛

ساکنین خارج ازمحدوده‌هاکه عده آنان در تهران به صدها هزار میرسد (به روایتی حتی از یك میلیون نفر) باید دست در دست هم کمك سایر زحمتکشان بـرای تحقق خـواستهای مبارزه کنند . پیروزی ساکنین خارج از محدوده میتواند درسی الهام بخش برای آنان باشد .

م . ه

www.iran-archive.com